

- زن ژیان آزادی؛ پیوند آزادی زن و آزادی جامعه می باشد
- خشونت علیه زنان؛ مسئله‌ای ساختاری و چندلایه است
- انقلاب زن؛ یک انقلاب فرهنگی، اجتماعی، فلسفی و فکری است
- آزادی زن فراتر از آزادی فردی؛ ضرورت بازسازی جامعه می باشد



آرشیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی دوازدهم

شهریور ۱۴۰۵

SEPTEMBER 2026

۱۲



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram:

[PJAKMEDIACENTER](https://t.me/PJAKMEDIACENTER)

Gmail:

PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM



مصاحبه‌ی اختصاصی با
بهار اورین
(عضو آکادمی ژنولوژی)

«ژن ژیان آزادی» در افق ژنولوژی؛ واکاوی فلسفی و اجتماعی یک انقلاب زنانه

ذهنیتی در جامعه ایجاد نمود. نخستین تاثیر آن شکستن کلیشه‌های جنسیتی‌ای بود که سال‌ها از سوی ساختارها و نهادهای مردسالار حاکمیت ایران نهادینه شده بود؛ کلیشه‌هایی که زنان را به عنوان جنس دوم و جنس ضعیف تلقی می‌کرد. خیزش‌های رادیکالی که زنان پیرامون این شعار آغاز کردند، عملاً ضربه‌ی مرگباری به پیکره‌ی زن‌ستیز و ایدئولوژیک حاکمیت پدر-مردسالار

آلترناتیو: از نگاه ژنولوژی، «ژن ژیان آزادی» چه تغییری در نگاه جامعه به مسئله زن ایجاد کرد؟
بهار اورین: انقلاب «ژن ژیان آزادی» یکی از نقاط عطف مبارزات زنان و ملت‌های تحت ستم در ایران و شرق کوردستان است. اگر انقلاب را به عنوان تغییر و تحولات لحظه‌ای تعبیر نمود، ژن ژیان آزادی نیز از همان لحظات نخست تغییرات گسترده‌ی اجتماعی، فرهنگی و

جمهوری اسلامی وارد نمود. از سوی دیگر همگان به این واقعیت پی بردند که زنان دارای نیروی تغییر فوق‌العاده‌ای هستند و حضور و مشارکت زنان و به رسمیت شناختن عاملیت زنان، تا چه حد توان تحولات و دگرگونی مثبت جامعه را دربر خواهد داشت. از دیگر سو ماهیت و محتوای فلسفی و تاریخی - اجتماعی شعار «زن ثیان آزادی» هم بر مبنای سوژگی زنان و اهمیت دادن به عنصر زنانه در تغییرات اجتماعی است. این شعار بر پایه‌ی پیوند متقابل آزادی زن و آزادی جامعه بر اساس بر ساخت و شکل‌دهی زندگی اجتماعی بر مبنای معیارهای اخلاقی و سیاسی است. در این راستا آشکار است تا زمانی که نوع دیدگاه به زن به عنوان یک هویت اجتماعی و «مسئله‌ی زن» به عنوان یک پرسش تاریخی و اجتماعی تغییر صورت نگیرد، نمی‌توان از یک انقلاب اجتماعی بر اساس دموکراسی و آزادی زن نیز سخن گفت.

آلترناتیو: چرا مسئله آزادی زن را نمی‌توان تنها به آزادی‌های فردی محدود کرد؟
بهار اورین: در سیستم مدرنیته‌ی

سرمایه‌داری به آزادی‌های فردی اهمیت بیشتری داده شده است. اما در حال حاضر پیامدهای این آزادی را مشاهده می‌کنیم. انسانی که به حال خود رها شده باشد تا چه اندازه توانایی حل مسائل را خواهد داشت و یا تا چه اندازه می‌تواند از توانمندی‌های درونی خود آگاه شود؟ این واقعیت را می‌توان به مسئله آزادی زن نیز تعمیم داد. در واقع یکی از کاستی‌های جنبش فمینیسم نیز این بوده که بیشتر بر روی آزادی‌های فردی زنان با اتکاء به اصلاح قوانین، برابری حقوقی و سهم‌خواهی از ساختار موجود است. لذا تجارب سیصد ساله‌ی مبارزات جنبش فمینیسم نشان داده که صرفاً تأکید بر آزادی‌های فردی منجر به رهایی زن نمی‌شود. به همین دلیل نیاز به بازسازی کامل جامعه بر اساس معیارهای برابری و آزادی زن وجود دارد. اگر مبارزات آزادی زنان متصل به سازماندهی عملی، زندگی اجتماعی و سایر جنبش‌های مردمی و زنان نباشد و تک‌ساحتی باقی بماند، دچار یک خطای تاریخی خواهیم شد. لذا به نظرم نگاه به زن به عنوان نخستین طبقه و ملت سرکوب شده کلید بازسازی جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی است. در

تنیده شده است. این بستر زنان را به سوی شناخت توانایی‌های خود از سویی و به چالش کشیدن نظم مردانه‌ی موجود فراهم نمود. در نهایت این دانش به آگاهی و خودآگاهی زنان می‌انجامد. این آگاهی را می‌توان در قالب «خودبودگی» مفهوم‌پردازی کرد. این آگاهی بر اساس بازتعریف جنسیت و آزادی به

نهایت آزادی زنان یک مطالبه‌ی فردی نیست، بلکه نیاز به بازگرداندن این مسائل به عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی است. از این رو ژنولوژی آزادی زن را نه در ادغام سیستم موجود بلکه در ایجاد پارادایمی جایگزین بر مبنای آگاهی جمعی و سوژگی زنان تعریف می‌کند.

آلترناتیو: در سال‌های پس از شکل‌گیری جنبش «ژن ژیان آزادی»، چه تغییراتی در آگاهی و خودآگاهی زنان ایجاد شده است؟

بهار اورین: انقلاب «ژن ژیان آزادی» زنان ایران را به سوی یک مبارزه‌ی مستمر و متداوم علیه هر نوع بردگی و استعمارگری سوق داد. مبارزه‌ای که دیگر محدود به خیابان نیست بلکه هر عرصه‌ی زندگی از نوع پوشش تا انتخاب مسیر آینده به بهانه‌ای برای مبارزه تبدیل می‌شود. چون این شعار بستر گسستی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی از نظم پاتریارکال و دولت‌محور را محقق ساخت. با توجه به اینکه این شعار حاصل یک الهام ناگهانی نیست و در بستر عمل و نظریه‌ی جنبش آزادی کوردستان لایه‌به‌لایه

بدون تردید یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌رو آزادی و برابری زنان نظام پدر-مردسالاری است که در قالب دولت-ملت و نظم سرمایه‌داری تجلی می‌یابد. نظام پدر-مردسالاری یک ساختار ریشه‌دار است که به طرق مختلف نقش و هویت زنان را محدود ساخته است

مثابه سازه‌هایی ضد هژمونیک صورت می‌گیرد. از سوی دیگری این مقاومت «بدن‌مند» نمونه‌ای از رویت‌پذیری برای زندگی‌های تحت لوای رژیم‌های استبدادی در نمود رژیم جمهوری اسلامی

دیگر ایدئولوژی‌های مسلط همچون ملی‌گرایی، دین‌گرایی، جنسیت‌گرایی و علم‌گرایی با اعمال اشکال خشونت و کنترل و سلب عاملیت از زنان آنان را به ابژه‌ی زادآوری و استفاده‌ی ابزاری از بدن

است. بنابراین ریشه‌های رادیکال «ژن ژیان آزادی» برای حفظ زنان در برابر ابزارانگاری آنان امری حیاتی است

آلترناتیو: امروز مهم‌ترین موانعی که زنان در مسیر دستیابی به آزادی و برابری با آن روبه‌رو هستند چیست؟

بهار اورین: برابری یکی از کهن‌ترین مفاهیم کهن در تلاش انسان برای معنابخشی به هستی خود است. از منظر اخلاقی این اندیشه غالب است که انسان‌ها از بدو تولد از ارزش یکسانی برخوردارند. بنابراین زندگی بر پایه‌ی برابری در کنار آزادی، عدالت و صلح اساس یک زندگی شرافتمندانه برای انسان به شمار می‌رود. موانع در برابر زنان برای نیل به آزادی و برابری چندوجهی است و نمی‌توان آن را صرفاً به یک جنبه تقلیل داد. بدون تردید یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌رو آزادی و برابری زنان نظام پدر-مردسالاری است که در قالب دولت-ملت و نظم سرمایه‌داری تجلی می‌یابد. نظام پدر-مردسالاری یک ساختار ریشه‌دار است که به طرق مختلف نقش و هویت زنان را محدود ساخته است. از سوی

ژئولوژی در کنار نقد فرهنگ مسلط پدر-مردسالاری در تلاش برای شکل‌گیری فرهنگی نوین بر مبنای مقاومت و آزادی زنان و بازگشت به خویشتن با زدودن لایه‌های قدرت‌محور فرهنگ پدر-مردسالاری است

آنان تبدیل نموده است. بنابراین برای رسیدن به آزادی و برابری بایستی آن را ساخت و این، از رهگذر سازماندهی و مبارزه‌ای مداوم و ساختاری است

آلترناتیو: ژئولوژی چگونه رابطه میان زن، جامعه، قدرت و فرهنگ را تحلیل می‌کند؟

بهار اورین: ژئولوژی به عنوان دانشی بر مبنای به چالش کشیدن

آلترناتیو: چرا خشونت علیه زنان فقط یک مسئله فردی نیست و باید آن را در ساختارهای اجتماعی جست‌وجو کرد؟

بهار اورین: خشونت علیه زنان دارای پیشینه‌ای تاریخی و بسترهای ایدئولوژیک-سیاسی است. از این رو خشونت علیه زنان یک عمل چندلایه‌ی قدرت است که شامل تمامی اشکال اعمال زور با هدف تحت فشار قرار دادن، محدود کردن و ساکت کردن زنان برای نادیده‌انگاری ارادی آن‌ها از طریق دانش، گفتار، حقوق و اخلاق می‌شود. خشونت علیه زنان رژیم‌ی از سرکوب و تسلط است که در طول هزاران سال سازمان‌یافته و از طریق نهادهای مختلف نظم حاکم تولید و بازتولید شده است؛ این سازمان‌یافتگی از سوی یک عقل سیاسی ادامه داشته و به همین دلیل نمی‌توان گفت مسئله‌ای «فردی»، «خانوادگی» و یا «استثنایی» است. این نوع خوانش از خشونت بدون تردید مانع رویت ساختارهای تولیدکننده‌ی خشونت خواهد شد. نهادهای خانواده، ساختارهای دولتی، زبان مسلط مردسالاری و رسانه‌ها و مهم‌تر از همه نهادهای قانونی و حقوقی از مهم‌ترین

ساختارهای مردانه‌ی علم است که در تلاش برای بازخوانی اسطوره‌ها و نمادها و تحلیل فرهنگ شفاهی و باورهای بومی با اتکا به تجارب زیسته‌ی زنان است. از دید ژنئولوژی ساختار مردانه‌ی علوم ارزش‌ها و دانش زنان را به سود خود مصادره کرده‌اند. از سوی دیگر ژنئولوژی تبدیل سیاست به عمل اجتماعی را هدف قرار می‌دهد و با این عمل، دگرگونی نه تنها زنان بلکه کل جامعه را دربرمی‌گیرد. این رویکرد در حل هر گونه مشکل اجتماعی در عمل، اراده‌مندی و جنبه‌های عملی آزادی و برابری را شامل می‌شود. اساس آن بازنگری در سیاست موجود و بازگرداندن آن به ذات اصیل و کارکرد واقعی‌اش یعنی ضدیت با قدرت است. بنابراین فرهنگ را نیز می‌توان به عنوان حافظه‌ی تاریخی جمعی مورد تحلیل قرار داد. ژنئولوژی در کنار نقد فرهنگ مسلط پدر-مردسالاری در تلاش برای شکل‌گیری فرهنگی نوین بر مبنای مقاومت و آزادی زنان و بازگشت به خویشتن با زدودن لایه‌های قدرت‌محور فرهنگ پدر-مردسالاری است

بلکه به عنوان تکنیکی از قدرت عمل می‌کند که زندگی را تنظیم، کنترل و عادی‌سازی می‌کند

آلترناتیو: نقش زنان در تغییر ساختارهای مردسالارانه و ساختن روابط اجتماعی جدید چیست؟ چه ارتباطی میان آزادی زن و آزادی کل جامعه وجود دارد؟

بهار اورین: برای تغییر ساختارهای مردانه لازم است ابتدا تمام حوزه‌های نظم مسلط مردانه همچون خانواده، اخلاق، دولت، بازار و تکنولوژی که در آن خشونت علیه زنان مشروعیت می‌یابد، به زیر سوال کشیده شود. چرا که خشونت به شکلی نامرئی در ساختار زبان، حقوق، هنجارها و شیوه‌های روزمره جریان دارد. از سوی دیگر مبارزات سیاسی نیز برای زدودن خشونت مهم است. مبارزات سیاسی شامل سازماندهی روابط اجتماعی بر پایه‌ی آزادی و اراده‌مندی طرفین است. علاوه بر این مبارزه با خشونت با مبارزه‌ی فردی امکان‌پذیر نیست. مبارزه‌ی جمعی در قالب «کمون» که عبدالله اوجالان در مانیفست اخیر خود به اهمیت آن تاکید کرده، می‌تواند راهکاری مناسبی هم

ساختارهای تولید و بازتولید خشونت علیه زنان هستند. بدون تردید بدن زن در مرکز این استراتژی و ساختارهای خشونت جای می‌گیرد. زیرا با آگاهی از شواهد تاریخی می‌دانیم که به زیر کشیدن زنان به معنای درهم‌شکستن مقاومت اخلاقی، فرهنگی و سیاسی جامعه است. در این دیدگاه بدن زن

نهادهای خانواده، ساختارهای دولتی، زبان مسلط مردسالاری و رسانه‌ها و مهم‌تر از همه نهادهای قانونی و حقوقی از مهم‌ترین ساختارهای تولید و بازتولید خشونت علیه زنان هستند. بدون تردید بدن زن در مرکز این استراتژی و ساختارهای خشونت جای می‌گیرد

نه به عنوان یک هدف فردی بلکه به عنوان کلید فروپاشی اجتماعی دیده می‌شود. در نهایت خشونت در دنیای مدرن دیگر تنها به کُشتن مستقیم یا استفاده از زور فیزیکی محدود نمی‌شود،

می‌شود. به همین دلیل عبدالله اوجالان در ارزیابی‌های خود در مورد خانواده آن را «میکرو دولت» توصیف می‌کند و آن را عرصه‌ای برای اقتدار و بهره‌کشی توصیف کرده است. در دیدگاه مردسالارانه خانواده مقدس و تغییرناپذیر

کمون شکلی از بودن اخلاقی، سیاسی و اجتماعی در راستای بازآفرینی جامعه است. چرا که از دید اوجالان با انحلال کمون، خشونت از یک ابزار استثنایی خارج شده و سلب عاملیت زنان و گسسته شدن پیوندهای کمونی بسترهای خشونت را پی‌ریزی کرده است

تلقی می‌شود. از سوی دیگر نهادی است که به شیء‌انگاری زنان مشروعیت می‌دهد و به طور کلی از حوزه اجتماعی و تولیدی طرد می‌کند. این رفتارها بر مبنای کنترل و سلب سوژگی زنان صورت می‌گیرد. در نهایت زنان به «برده‌ی خانگی» تبدیل می‌شوند. با توجه

برای زندگی جمعی و هم مبارزه‌ای جمعی باشد. کمون شکلی از بودن اخلاقی، سیاسی و اجتماعی در راستای بازآفرینی جامعه است. چرا که از دید اوجالان با انحلال کمون، خشونت از یک ابزار استثنایی خارج شده و سلب عاملیت زنان و گسسته شدن پیوندهای کمونی بسترهای خشونت را پی‌ریزی کرده است. در نهایت خارج کردن خنجری که بر پشت جامعه فرو رفته تنها از طریق احیای پیوندهای کمونی امکان‌پذیر است و می‌توان در اینجا به پیوند میان آزادی زنان و آزادی جامعه پی برد.

آلترناتیو: آیا می‌توان گفت تغییر وضعیت زنان بدون تغییر در ساختار خانواده و روابط اجتماعی امکان‌پذیر است؟

بهار اورین: خانواده هسته‌ای یکی از نهادهای اصلی بازتولید نظم مردانه است. این فرم از خانواده که بر مبنای تحکم و سلطه‌ی مرد بنا شده از اجتماعی بودن فرسنگ‌ها فاصله دارد و به شدت جنسیت‌زده و غیردمکراتیک است. این دیدگاه جنسیتی در برنامه‌های آموزشی درباره‌ی خانواده نیز گنجانده

به این موارد و عمیق بودن بحث خانواده آشکار است که بدون تغییر مناسبات جامعه-خانواده نمی‌توان به تغییری در وضعیت زنان امیدوار بود. این تغییر در سایه‌ی مبارزه‌ای جمعی، همبستگی و سازمان‌یافتگی تحقق می‌یابد. به همین دلیل عبدالله اوجالان در دفاعیه‌ی مانیفست تمدن دمکراتیک با نظریه‌ی «زندگی مشترک آزاد» در تلاش برای بازتعریف روابط زن و مرد و برقراری روابط فلسفی، اتیک و نیک در راستای برقراری دمکراسی در جامعه است. در نهایت تغییر خانواده و روابط اجتماعی پیوند مستقیمی با یکدیگر داشته و یکی بدون دیگری امکان‌پذیر نیست

آلترناتیو: ژنئولوژی چه راهکاری برای بازگرداندن زن به جایگاه یک سوژه اجتماعی ارائه می‌دهد؟

بهار اورین: در جنبش آزادی زنان کوردستان نظریه‌های فراوانی توسعه یافت تا زنان به بتوانند به سوژه‌های آزاد مبدل شوند. ایدئولوژی آزادی زنان بیانگر مجموعه‌ای از این موارد است و در نتیجه‌ی این تجربه از سوی عبدالله اوجالان فرمول‌بندی شده است. در

نتیجه ژنئولوژی به این دلیل که بستر شکل‌گیری آن تجارب جنبش آزادی زنان کوردستان است بدون تردید با ایدئولوژی آزادی زن پیوند دارد. به همین دلیل باید بتوانیم ارزش‌های اجتماعی‌ای که پیرامون هویت زنان شکل گرفته را آشکار کنیم. این ارزش‌ها نیازمند پژوهش‌های دقیق و درست در زمینه‌ی تاریخ به ویژه تاریخ پیش از تمدن است. زیرا ارزش‌های فرهنگ زن-مادر از سوی نظم مردانه به تحریف کشانده شده است. از سویی دیگر تعاریفی که درباره‌ی زن ارائه شده‌اند از سوی ایدئولوژی زن‌ستیز و جنسیتی تعیین شده است. این تعاریف در طیف وسیعی از اسطوره تا دین، فلسفه و علم دارای نفوذ و تاثیر بوده است. بنابراین برای بازگرداندن سوژگی زنان لازم است هر یک از موارد بالا را مورد بازتعریف قرار داده و از طریق تبارشناسی و آرکئولوژی زنان و پی بردن به ریشه‌های مستعمرگی زنان بتوانیم بار دیگر زنان را به جایگاه واقعی آنان برسانیم.

آلترناتیو: وضعیت امروز زنان ایران از نظر مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را

چگونه ارزیابی می کنید؟

بهار اورین: سیاست در حقیقت خود زندگی است و یکی از پویایی‌هایی به شمار می‌رود که پایه‌های عملی اجتماعی بودن را تشکیل می‌دهد. لذا با نگاهی به وضعیت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان خواهیم دید که

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در ایران با وجود مبارزات طولانی آنان پیرامون ورود به عرصه‌های کلان جامعه هنوز هم بسیار محدود است. این محدودیت به دلیل موانع و ساختارهای سیاسی، سنتی و جنسیتی است که همچنان بر محبوس کردن زنان در عرصه‌ی خصوصی اصرار دارند. می‌توان گفت سیاست یکی از بارزترین حوزه‌های نابرابری جنسیتی به شمار می‌رود. زیرا سیاست همواره به عنوان امری مردانه نگریسته شده و این دیدگاه به سایر حوزه‌های نیز تسری پیدا کرده است. چرا که مردان جایگاه مدیریت را حق مسلم خود می‌دانند و با این تفکر در تلاش برای مدیریت زنان نیز هستند. زنان کورد در این باره دارای تجارب و دستاوردهای بسیاری هستند. به ویژه تجارب روزآوا و حضور فعال زنان در تمامی عرصه‌های جامعه به ویژه

نماینندگی برابر در قالب نهاد ریاست مشترک می‌تواند حاوی درس‌های بسیاری باشد. بدین معنا که نمایندگی برابر می‌تواند در ایجاد تحولات مثبت در جامعه و زدودن فرهنگ مردسالاری تاثیرگذار باشد. تنها از رهگذر عبور از مرزهای جنسیتی و تحمیل شده و مبارزه‌ای منسجم می‌توان پایه‌های یک جامعه‌ی دموکراتیک را ایجاد نمود. به طور کلی حضور زنان در عرصه‌های زندگی تابع مولفه‌های چندلایه‌ای است که شامل موانع فرهنگی، قانونی و ساختاری است. بدون تردید این امر به رویکرد ذهنیت دولت-ملت بازمی‌گردد که قدرت را صرفاً در انحصار مردان قرار داده است

لذا در سال‌های اخیر شاهد مبارزه‌ی سترگ و عظیم زنان در اینبار هستیم. زنان با عبور از این موانع قادر خواهند بود با این ذهنیت مقابله کنند. در کنار این تلاش برای تغییر و تحول مردان نیز می‌تواند در این زمینه یاری‌بخش باشد. هدف از این پروژه‌ها تحقق آزادی زن و جامعه است

آلترناتیو: با وجود افزایش آگاهی زنان، چرا هنوز اشکال

مختلف خشونت و نابرابری علیه آنان ادامه دارد؟

بهار اورین: تداوم اشکال مختلف خشونت علیه زنان نشان از پایداری ساختارهای سلطه‌ی مردانه و بازتولید مداوم از طرق مختلف است. البته این نظم تنها به ساختارها محدود نیست بلکه در تمامی روابط روزانه نفوذ کرده است. لذا تنها آگاهی زنان نمی‌تواند این شبکه‌ی سلطه و قدرت را

اتحاد زنان فاکتور مهمی در برابر این چرخه‌ی خشونت است. زیرا نظم حاکم از پراکندگی و تمیزه کردن زنان سود برده و بر علیه زنان مورد استفاده قرار می‌دهد

آلترناتیو: نسل جدید زنان چه تفاوتی با نسل‌های پیشین دارد و چه ظرفیت‌هایی برای ایجاد تغییر در جامعه در اختیار دارد؟

بهار اورین: اگر نگاهی به خیزش‌های سراسری اخیر در ایران و شرق کوردستان بیاندازیم خواهیم دید که طیف وسیعی از اقشار جامعه و حتی نسل‌های مختلف در آن شرکت دارند. لذا نسل جدید زنان بستر و فرصت‌های بیشتری برای مبارزه در برابر نظم موجود دارند. زیرا آنان می‌توانند از انباشت تجارب و آگاهی مبارزات زنان نسل‌های پیشین بهره برده و آن را به عنوان میراثی که باید به زمینه‌ی یک تغییر رادیکال منجر شود، ارزیابی کنند. چرا که نسل جدید زنان با درهم شکستن ساختارهای مردانه‌ی حاکم نظم آن را به چالش کشیده‌اند. از سوی دیگر زنان نسل جدید در عصر دیجیتال با بهره‌گیری از فضای آن تجارب خود را با یکدیگر در میان

**زنان و جوانان نسل جدید
دارای قابلیت و بسترهای
سیاری برای تغییرات مثبت
در جامعه هستند. به شرطی
که نه به صورت پراکنده
بلکه به صورت سازمانی و
متشکل باشد**

درهم‌شکنند و منجر به تغییر شود. لازم است این آگاهی به بر ساخت نهادهای جایگزین، شبکه‌های همبستگی و اتحاد و مکانیسم‌های خودفاعی تبدیل شود. در غیر این صورت چرخه‌ی خشونت همچنان ادامه خواهد داشت.

می‌گذارند و این خود به جهان‌شمول شدن مبارزات و اعتراضات زنان کمک می‌کند. علاوه بر این نسل جدید زنان بیشتر بر روی حق انتخاب‌های فردی، پوشش و بدن متمرکز هستند. آنان با تنوع مبارزات خود در قالب هنر، موسیقی، شعار و مقاومت روزمره بسترهای زدودن کلیشه‌های جنسیتی در جامعه را نیز فراهم کردند. این واقعیت را در انقلاب «ژن ژیان آزادی» مشاهده کردیم که چگونه سوزاندن روسری و رقص به زمینه‌ای برای اعتراض و به چالش کشیدن نظم مردانه تبدیل شد. در نتیجه زنان و جوانان نسل جدید دارای قابلیت و بسترهای بسیاری برای تغییرات مثبت در جامعه هستند. به شرطی که نه به صورت پراکنده بلکه به صورت سازمانی و متشکل باشد

آلترناتیو: مفهوم «انقلاب زن» در چارچوب ژئولوژی دقیقاً به چه معناست؟ آیا تغییر ساختارهای سیاسی کافی است یا نیازمند یک انقلاب ذهنی و فکری است؟

بهار اورین: ماهیت زنانه‌ی

انقلاب‌های سده‌ی ۲۱ ضرورت تعریف پایه‌های علمی این انقلاب را آشکار می‌کند. درک ما از انقلاب زنان، مرحله‌ای که این انقلاب در آن قرار دارد، اهداف، راه‌ها، روش‌ها و ابزارهای آن همگی موضوعاتی است که باید روی آن تمرکز کرد. تعریف ما از انقلاب نفی یا تخریب کل سیستم اجتماعی نیست. زیرا قدرت دیگر در یک نقطه متمرکز نیست که بتوان آن را صرفاً از نقطه‌ای از میان برد بلکه در عصر ما قدرت تنوع یافته است. به همین دلیل یک انقلاب اجتماعی با پیشاهنگی زنان و نهادهای ساختن معیارهای اخلاقی و سیاسی است. انقلاب از ضرورت تغییر زاده می‌شود و بیانگر تحول کیفی ساختار اجتماعی است. بنابراین هدف ژئولوژی به عنوان دانش زن تحقق بخشیدن به اقدام، سازماندهی و بر ساخت سیستمی جایگزین است که وقوع انقلاب زنان را در سده‌ی حاضر محقق سازد. لذا برای تحقق بخشی این انقلاب نحوه‌ی دیدگاه ما به تاریخ زنان و مفاهیم زمان مهم است. با پیشرفت مطالعات ژئولوژی بستر مناسبی برای بحث و عمل فراهم خواهد شد که از سویی سهم ژئولوژی در انقلاب زنان را تبیین می‌کند و از

زن و مرد بر اساس فرودستی زن و
فردادستی مردان توصیف کرده است.
به همین دلیل برای هر تغییری در ابتدا
لازم است این روابطی بحرانی را از نو
ساخت. روابطی که بر اساس معیارهای
زیبایی، نیکی، علمی و فلسفی برقرار
گردد

«ژن ژیان آزادی» محصول
تجارب قریب به نیم قرن
مبارزات آزادی خواهانه‌ی
زنان کورد است. به همین
دلیل «ژن ژیان آزادی» فراتر
از یک شعار حاوی برنامه‌ی
عملی و نظری مبارزات زنان و
به طور کلی جامعه برای نیل
به آزادی است

آلترناتیو: بزرگ‌ترین چالش
یا مقاومت در برابر نهادینه‌سازی
ژنولوژی در بافت سنتی و
مردسالار جوامع چیست و چگونه
با آن مقابله می‌شود؟
بهار اورین: ژنولوژی مبارزه‌ای

سوی دیگر این تجارب را به زنان
سراسر جهان منتقل می‌کند. بر این
اساس انقلاب زن در واقع یک انقلاب
فرهنگی، اجتماعی، فلسفی و فکری
است. از سوی دیگر لازم است تجارب
زیسته و دستاوردها را به یک انقلاب
فرهنگی تبدیل نمود. این انقلاب از
رهگذر مبارزه‌ای مستمر علیه ایدئولوژی
جنسیتی، بازتعریف بنیان نهاد خانواده و
بنیان قرار دادن جامعه‌شناسی آزادی و
بازیابی تاریخ گمشده‌ی زنان است.

آلترناتیو: اگر قرار باشد «ژن
ژیان آزادی» فقط یک شعار
نباشد و به یک شیوه زندگی
اجتماعی تبدیل شود، چه
تغییراتی باید از زندگی روزمره و
روابط میان انسان‌ها آغاز شود؟

بهار اورین: بدون تردید برای هر
تغییر و دگرگونی مثبت نیاز به بازنگری
عمیق در تمامی روابط و مناسبات وجود
دارد. چرا که فرهنگ پدر-مردسالاری
در تمامی روابط اجتماعی انسان‌ها
نفوذ کرده و بدین ترتیب اثرات مخربی
دربرداشته است. عبدالله اوجالان در
بسیاری از آثار خود سرمنشا مسائل
اجتماعی را نوع روابط برساخته‌شده‌ی

آلترناتیو: شعار «ژن ژیان آزادی» که ریشه در این تفکر دارد، چگونه می‌تواند به فرمولی عملی برای رهایی تمام جامعه (و نه فقط زنان) از اقتدارگرایی تبدیل شود؟

بهار اورین: «ژن ژیان آزادی» محصول تجارب قریب به نیم قرن مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی زنان کورد است. به همین دلیل «ژن ژیان آزادی» فراتر از یک شعار حاوی برنامه‌ی عملی و نظری مبارزات زنان و به طور کلی جامعه برای نیل به آزادی است. در این دیدگاه زنان عنصر و سوژه‌ی اصلی بر ساخت یک جامعه‌ی دموکراتیک هستند. در واقع «ژن ژیان آزادی» فرمول افسونی درهم شکستن هر گونه اقتدار و استبداد است. از سوی دیگر بر مبنای این شعار زندگی بار دیگر تعریف گشته که در آن حق زیستن و آراده‌مندی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. در نهایت مطابق بنیان‌های فلسفی این شعار، آزادی زن و جامعه قابل تفکیک نبوده و در پیوند مستقیم با یکدیگر هستند و جامعه بر اساس معیارهای اخلاقی، همبستگی و دموکراسی مستقیم بازآفرینی می‌شود

رادیکال و نظری در برابر مردسالاری ریشه دوانیده در فرهنگ و به طور کلی تمامی حوزه‌های زندگی است. بنابراین آشکار است که بزرگ‌ترین مانع نیز در برابر نهادینه شدن ژنولوژی باز هم فرهنگ پدر-مردسالاری است. فرهنگی که طی هزاران سال به عنوان یگانه نظم طبیعی القا شده است. به همین جهت نظم موجود هر دانش و پارادایمی که در تضاد با ارزش‌ها و هنجارهای آن باشد، به مخالفت با آن می‌پردازد. لذا ژنولوژی به عنوان دانشی انتقادی و آلترناتیو متکی بر دیدگاه زنانه در تلاش برای دگرگونی این نظم و وارونه ساختن روند تاریخی‌ای است که به سمت و سود نظم مردانه پیش رفته است. بنابراین یکی از راهکارهای ژنولوژی علاوه بر تولید دانش زن، بازخوانی تاریخ و مفاهیم مسلط مردانه، احیای ارزش‌های زنان، کارگاه‌های آموزشی و تاسیس آکادمی‌ها در راستای آگاهی زنان در مبارزه با ذهنیت مردانه است. از سوی دیگر پروژه‌ی «تحول مردان» و آموزش مردان نیز یکی از جنبه‌های مبارزات ذهنیتی ژنولوژی است

ALTERNATIVE
POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE

شهریور ۱۴۰۵

سال چهاردهم / دوره‌ی چهارم / شماره دوازدهم

آل‌آل‌آ